



## راز تثلیث اقدس در پرتو عید تجلی مسیح

اظهار عشق و محبت به خدا که مبدأ و مقصد زندگی هر انسان است. توسط دعا است که انسان می تواند به وسوسه های فریبنده این جهان غلبه کند و از حضور فیض بخش خدا در درون او تجربه ای بسیار عمیق را داشته باشد. نکته دوم که رویداد تجلی مسیح بدان اشاره می نماید راز تثلیث اقدس و پسر خدا بودن عیسی است. یعنی راز یگانه بودن خدا و سه گانه بودن او می باشد که عبارت است از پدر و پسر و روح القدس.

شایان ذکر است که ما مسیحیان راز خدای یگانه و سه گانه را ابتکار نکرده ایم و زائیده اندیشه و تفکر ما هرگز نیست. ما اقرار می کنیم که عقل انسان از درک و فهم راز خدا بطور کامل و صحیح عاجز می باشد. طبق ایمان ما که ریشه در پیام کتاب مقدس دارد خدا است که پیش قدم شده و تدریجاً راز پنهان خود را برای ما آشکار نمود و همچنین ایمان داریم به اینکه آموزه های کتاب مقدس توسط روح القدس الهام شده و از هرگونه اشتباه یا تحریفی مصون می باشد.

پولس رسول خطاب به شاگردش تیموتاوس می فرماید: "تمام کتاب مقدس از الهام خدا است و برای تعلیم حقیقت، سرزنش خطا، اصلاح معایب و پرورش ما در نیکی مطلق مفید است" (رساله دوم به تیموتاوس باب ۳ آیه ۱۶).

دوستان گرامی: همانند هر سال بمناسبت فرا رسیدن ماه مرداد، کلیسای مقدس عید باشکوه تجلی خداوند ما عیسی مسیح را (۶ مرداد) برگزار می کند. انگیزه اصلی برگزاری این عید بسیار مقدس و مبارک تعمق نمودن در راز عیسی مسیح بعنوان پسر خدا و شخص دوم سه گانه مقدس را می باشد، رازی که پایه و اساس ایمان ما مسیحیان را تشکیل میدهد.

روادید تجلی خداوندمان عیسی مسیح طبق انجیل لوقا بدین صورت روایت شده است: "عیسی تقریباً یک هفته بعد از این گفتگو پطرس، یوحنا و یعقوب را برداشت و برای دعا به بالای کوه رفت. هنگامیکه به دعا مشغول بود نمای چهره اش تغییر کرد و لباسهایش از سفیدی می درخشید... ابری آمد و بر آنان سایه افکند و وقتی ابر آنان را فرا گرفت شاگردان ترسیدند، از ابر ندایی آمد: این است پسر من و برگزیده من به او گوش دهید." (باب ۹ آیه ۲۸-۳۶).

پیامی که عید تجلی می خواهد به ما برساند شامل چند نکته بسایر مهم می باشد. اولین نکته به جایگاه دعا در رویداد تجلی مسیح اشاره می کند. انجیل می فرماید: "عیسی در حال دعا بود و قتیکه چهره اش تغییر کرد و لباسهایش از سفیدی می درخشید." بر حسب سنت و تعالیم کلیسای مقدس انگیزه اصلی دعا کردن انجام دادن یک حکم شرعی و یا یک قانون مذهبی نیست بلکه،

علاوه بر این کتاب «تعالیم کلیسای کاتولیک شماره ۲۶۶» اعتقاد ما مسیحیان به خدای واحد و سه گانه اینطور شرح داده است: "ما خدای واحد را در تثلیث و تثلیث را در وحدانیت می پرستیم. بدون اینکه اشخاص را با هم آمیخته کنیم یا جوهر را تقسیم کنیم، زیرا پدر یک شخص است، پسر شخص دیگر و روح القدس شخص دیگری است، در عین حال الوهیت پدر و پسر و روح القدس یکی است، کرامت الوهیت آنان یکی است و جلال آنان در ازلی بودن واحد است".

دوستان عزیز: ما مسیحیان باید از ته دل خدا را برای وحدانیت و سه گانه بودنش شکر و سپاس گوئیم. وحدانیت او ما را از هرگونه شرک و بت پرستی نگه میدارد، در حالیکه سه گانه بودنش ما را از سرشت و ذات درونی او آگاه می سازد که همان محبت است. چون خدا محبت است باید یکی در سه شخص ازلی و مساوی باشد در غیر اینصورت خدائی وجود ندارد. یوحنا رسول که به شاگرد محبوب عیسی شناخته شده است در وصف و معرفی خدا می گوید: "ای عزیزان، ما باید یکدیگر را دوست بداریم، زیرا دوستی و محبت از جانب خدا است. هر که محبت دارد، فرزند خداست و خدا را می شناسد. اما آنکه محبت ندارد از خدا کاملاً بی خبر است، زیرا خدا محبت است. و محبت خدا از این طریق به ما آشکار گردید که خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد تا ما بوسیله او حیات داشته باشیم" (رساله اول یوحنا باب ۴ آیه ۷-۹).

طبق آیات فوق، محبت بهترین و کاملترین راهی است جهت شناخت خدا و رسیدن به او می باشد. محبتی که درباره آن انجیل سخن می گوید آنست که حقیقی و همراه با عمل و تعهد بوده و نه فقط در قالب حرف و تعارف باشد، محبتی که علائم بارزش و دیدنی اش فداکاری، از خود گذشتگی و شادی باشد. البته شناخت

خدا از راه محبت نیاز به این دارد که مسیح را بعنوان الگوی زندگیمان قرار داده و از نزدیک او را پیروی کنیم. تنها در زندگی مسیح است که معنی و مفهوم محبت کامل و نجاتبخش را یافت می شود. باز به رساله اول یوحنا رجوع کنیم که می فرماید: "ما معنی محبت را درک کرده ایم زیرا مسیح جان خود را در راه ما فدا کرد. پس ما نیز باید جان خود را در راه یکدیگر فدا سازیم. آیا ممکن است محبت خدا در کسی باشد که از ثروت دنیا بهرمند است ولی وقتی برادر خود را می بیند، محبت خود را از او دریغ نماید؟" (باب ۳ آیه ۱۶-۱۷).

چنانکه می دانید هنوز در سال رحمت بسر می بریم، رحمت زیباترین سیمای محبت است، اعمال رحمت این حقیقت را بیان می کنند که هر انسان مخصوصاً انسان نیازمند، رنج دیده و بینوا دارای ارزشی مطلق می باشد چون به صورت و شباهت خدا آفریده شده است و شایسته محبت و خدمت ماست. در ضمن محبتی که به چنین افرادی انجام می دهیم به خود شخص خداوند ما عیسی مسیح انجام می دهیم و روز داوری طبق اعمال محبت و رحمت که انجام داده ایم داوری خواهیم شد. از روح القدس شخص سوم سه گانه مقدس، که منشأ همه عطایای خوب و زیبا می باشد، با دعایی از دل برخاسته و همراه با امید و اطمینان بخواهیم تا روز به روز در ترویج و اشاعه فرهنگ انسان دوستی و کمک رسانی به مستمندان قدم برداشته و از این راه راز خدای محبت و رحمت را به همه جهانیان مکشوف سازیم.

## خدمتگزار شما

### رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران

## از "ریچارد وایزمن" روانشناس دانشگاه هارتفورد شایر

چرا برخی مردم بی وقفه در زندگی شانس می آورند در حالی که سایرین همیشه بدشانس هستند؟ مطالعه برای بررسی چیزی که مردم آن را شانس می خوانند، ده سال قبل شروع شد. می خواستم بدانم چرا بخت و اقبال همیشه در خانه بعضی ها را می زند، اما سایرین از آن محروم می مانند. به عبارت دیگر چرا بعضی از مردم خوش شانس و عده دیگر بدشانس هستند؟

آگهی هایی در روزنامه های سراسری چاپ کردم و از افرادی که احساس می کردند خوش شانس یا بدشانس هستند خواستم با من تماس بگیرند. صدها نفر برای شرکت در مطالعه من داوطلب شدند و در طول سال های گذشته با آنها مصاحبه کردم، زندگی شان را زیر نظر گرفتم و از آنها خواستم در آزمایش های من شرکت کنند.

نتایج نشان داد که هر چند این افراد به کلی از این موضوع غافلند، کلید خوش شانسی یا بدشانسی آنها در افکار و کردارشان نهفته است. برای مثال، فرصت های ظاهراً خوب در زندگی را در نظر بگیرید. افراد خوش شانس مرتباً با چنین فرصت هایی برخورد می کنند، در حالی که افراد بدشانس نه. با ترتیب دادن یک آزمایش ساده سعی کردم بفهم آیا این مسأله ناشی از توانایی آنها در شناسایی چنین فرصت هایی است یا نه. به هر دو گروه افراد خوش شانس و بدشانس روزنامه ای دادم و از آنها خواستم آن را ورق بزنند و بگویند چند عکس در آن هست.

به طور مخفیانه یک آگهی بزرگ را وسط روزنامه قرار دادم که می گفت: اگر به سرپرست این مطالعه بگویید که این آگهی را دیده اید، ۲۵۰ پوند پاداش خواهید گرفت. این آگهی نیمی از صفحه را پر کرده بود و به حروف بسیار درشت چاپ شده بود. با این که این آگهی کاملاً خیره کننده بود، افرادی که احساس بدشانسی می کردند عمدتاً آن را ندیدند، در حالی که اغلب افراد خوش شانس متوجه آن شدند.

مطالعه من نشان داد که افراد بدشانس عموماً عصبی تر از افراد خوش شانس هستند و این فشار عصبی توانایی آنها در توجه به فرصت های غیر منتظره را مختل می کند. در نتیجه،

آنها فرصت های غیر منتظره را به خاطر تمرکز بیش از حد بر سایر امور از دست می دهند.

برای مثال وقتی به مهمانی می روند چنان غرق یافتن جفت بی نقصی هستند که فرصت های عالی برای یافتن دوستان خوب را از دست می دهند. آنها به قصد یافتن مشاغل خاصی روزنامه را ورق می زنند و از دیدن سایر فرصت های شغلی باز می مانند. افراد خوش شانس آدم های راحت تر و بازتری هستند، در نتیجه آنچه را در اطرافشان وجود دارد و نه فقط آنچه را در جستجوی آنها هستند می بینند.

تحقیقات من در مجموع نشان داد که آدم های خوش اقبال براساس چهار اصل، برای خود فرصت ایجاد می کنند. اول آنها در ایجاد و یافتن فرصت های مناسب مهارت دارند، دوم به همه چیز می نگرند و براساس آن تصمیم های مثبت می گیرند.

سوم به خاطر توقعات مثبت، هر اتفاقی نیکی برای آنها رضایت بخش است. چهارم نگرش انعطاف پذیر آنها، بدببیری را به خوش اقبالی بدل می کند.

در مراحل نهایی مطالعه، از خود پرسیدم آیا می توان از این اصول برای خوش شانس کردن مردم استفاده کرد. از گروهی از داوطلبان خواستم یک ماه وقت خود را صرف انجام تمرین هایی کنند که برای ایجاد روحیه و رفتار یک آدم خوش شانس در آنها طراحی شده بود. این تمرین ها به آنها کمک کرد فرصت های مناسب را دریابند، به قوه شهود تکیه کنند، انتظار داشته باشند بخت به آنها رو کند و در مقابل بدببیری انعطاف نشان دهند.

یک ماه بعد، داوطلبان بازگشته و تجارب خود را تشریح کردند. نتایج حیرت انگیز بود: ۸۰ درصد آنها گفتند آدم های شادتری شده اند، از زندگی رضایت بیشتری دارند و شاید مهم تر از هر چیز خوش شانس تر هستند. و بالاخره این که من عامل شانس را کشف کردم.

### چند نکته برای کسانی که می خواهند خوش اقبال شوند

به ندای باطنی خود گوش کنید، چنین کاری اغلب نتیجه مثبت دارد.

با گشادگی خاطر با تجارب تازه روبرو شوید و عادات روزمره را بشکنید.

هر روز چند دقیقه ای را صرف مرور حوادث مثبت زندگی کنید.

سرود مریم مقدس

درود بر تو ای مریم پر از نعمت خدا با توست میان  
همه زنان تو خجسته هستی و عیسی میوه درون تو  
خجسته است ای مریم مقدس مادر خدا برای ما  
بیچارگان گناهکار اکنون و در هنگام مرگمان دعا  
کن آمین.

می توانی سرود مریم مقدس را حفظ کنی و هر شب  
قبل از خواب بخوانی.  
باید بتوانی به خدا اطمینان کنی و روح القدس در این  
راه به تو خیلی کمک خواهد کرد.  
روح القدس به تو یاد می دهد که در مقابل خدا  
سکوت کنی و آرام باشی تا بتوانی به حضور او برسی.  
با کمک روح القدس می توانی انجیل بخوانی و حفظ  
کنی و معنی آن را کم کم بفهمی. انجیل کلام خداست  
و هیچ چیز بیشتر از انجیل نمی تواند ما را با عیسی  
آشنا کند.

دعای ای پدر ما

ای پدر ما که در آسمانی  
خجسته باد نام تو برسد فرمانروایی تو  
روان باد خواست تو روی زمین  
چنانکه در آسمان است  
امروز به ما ده نان روزانه ما را  
بخش گناهان ما را  
چنانکه ما نیز بخشیده ایم بدهکاران خود را  
و ما را در بوته آزمایش فرو مبر  
بلکه از بدی رهایی ده  
زیرا پادشاهی و جلال و نیرومندی از آن توست

آمین

چطور می توان دعا کرد؟

بعضی وقتها آدم فکر می کند که دعا کردن کار  
سختی است. اگر در کتاب مقدس نگاه کنید  
می توانید چنین دعاهایی بیابید:

- ای خدا به من بگو چه می خواهی و  
من آن را انجام خواهم داد.
- خدایا من ترا خیلی دوست می دارم ،  
تو نیروی من هستی.
- خدایا من خیلی خوشبخت نیستم چرا  
اجازه دادی که بدنیا بیایم.
- قلب من پر از شادی است زیرا تو  
مرا نجات داده ای.

اینها دعاهایی است که از زبان انبیایی مثل موسی ،  
داود ، ایوب و مریم مقدس آمده اند.  
پس می بینید که آدم می تواند همه چیز را بخدا  
بگوید ، همانطور که با یک دوست صحبت می کنیم.  
تو می توانی با خدا از شادی و غم و عصبانیت و  
امیدهایت صحبت کنی.  
می توانی از او بخواهی تا سئوالاتی که درباره اش  
داری برای تو روشن سازد.  
به همه این کارها ، "دعا کردن" می گویند.  
هرچه بیشتر دعا کنی ، بهتر دعا خواهی کرد و بیشتر  
صدای خدا را خواهی شنید.  
تو می توانی دعایی را که عیسی مسیح به ما یاد داد ،  
بارها تکرار کنی: ای پدر ما که در آسمانی...

## دوستان گرامی

دلتن همیشه شاد باشد ، وجودتان همیشه سرسبز و امیدوارم همیشه احساس راحتی و آرامش کنید. تابستان شروع شد و تعطیلی مدارس ! فصل استراحت و تفریح و گردش!

اما دوستان گرامی مواظب باشید تابستان را هدر ندهید! تابستان هر سال ، فصلی از عمر شماست! انسان های با خرد و اندیشه می توانند این فصل را مبنای ایجاد تغییرات مثبت در دورن خود قرار دهند.

بچه ها ! تا به حال درباره ی نیروهای درونی خود فکر کرده اید؟

شما خجالتی هستید یا به راحتی صحبت می کنید؟ آیا تا حالا شده بخواهید کار مهمی را شروع کنید؟

آیا تا حالا مسئولیتی در کلاس یا مدرسه یا خانه داشته اید؟

اگر بتوانید آن موارد را به خاطر بیاورید ، می توانید به موضوع مورد بحث ما که همان **اعتماد به نفس** است ، نزدیک شوید. ما معمولاً در مقابل این مسائل به گونه های مختلف عمل می کنیم ، بعضی از ما همه چیز را با نتوانستن شروع می کنیم ، بعضی ها بالعکس همیشه احساس می کنیم می توانیم کارهای مهم و بزرگ را انجام دهیم ، می توانیم صحبت کنیم ، حرف بزنیم و نظر بدهیم.

اما دوستان گرامی ، راستی چرا این تفاوت ها در ما وجود دارد؟

دانشمند بزرگی به نام ماکسول مالتر ، با این که یک جراح موفق پلاستیک است همچنین با نبوغ فردی خود ، به یک روانشناس بزرگ تبدیل شده است. او می گوید: انسان ها در درون خود موتورهای دارند که همه اعمالشان را به سمت افکار و اندیشه هایشان به پیش می برد ، یعنی ما هر چه فکر می کنیم به همان سمت هم پیش می رویم ، ... مثلاً اگر فکر کنیم کاری را می توانیم انجام دهیم به همان سمت پیش می رویم و اگر فکر کنیم نمی توانیم ، قوای درونی ما ناخودآگاه ضعیف می شوند و ما عملاً کم توان می شویم.

همه ما اصولاً بر اساس آنچه فکر می کنیم ، عمل می کنیم ،

ما درباره ی خود چه فکر می کنیم ؟ قوی فکر می کنیم یا ضعیف؟

همه ی این افکار بر روی توان ما مؤثرند!

خدا نکند ما تصویر ضعیفی از خود داشته باشیم آن موقع است که دیر یاد می گیریم ، حافظه ی ما ناخودآگاه ضعیف می شود ، توان خلاقیت ما پایین خواهد آمد ، نمی توانیم در جمع صحبت کنیم و در شکست های کوچک و کم ترین مشکلات زود از پا در می آییم ، حتی عضلات ما نیز تحت تأثیر افکار ماست!

اما اگر درباره ی خود تصویر خوب و مثبتی پیدا کنیم و بگوییم می توانیم و همیشه خود را قوی بپنداریم ، دارای تصویر ذهنی خوبی از خود خواهیم بود که همه ی اعمال ما و درون و جسم ما به سمت توانمندی و موفقیت های بیش تر به پیش خواهند رفت.

دوستان گرامی ، تابستان امسال را با **تلقین های مثبت و افکار خوب و بهترین تصویر ذهنی درباره ی خود**

**آغاز کنید.**

**مطمئن باشید شما هر آنچه را که درباره خود فکر می کنید به سمت آن حرکت خواهید کرد.**

**آرام باشید ، شاد و با نشاط**

## انتخاب

انتخاب کردن، عملی است که انسان را متعهد می‌سازد. بعضی انتخابات زندگی با خود شادی بسیاری دارند. برای درست انتخاب کردن باید عاقل و آزاد بود، مسئول و آگاه. آنوقت انتخاب شخص برایش سعادت به همراه خواهد داشت. منظور از سعادت در انتخاب، بدور از هر سختی بودن نیست.

بطور کلی زندگی کردن، انتخاب کردن است. برای داشتن عشق به زندگی و انتخاب کردن، باید شناخت داشت و آگاه بود. باید بدانیم که آزاد بودن، شانه خالی کردن از بار مسئولیت انتخابی که کرده‌ایم نیست؛ بلکه جهت دادن زندگیمان بسوی یک هدف مشخص و متمرکز ساختن نیرویمان برای رسیدن به آن است (به شرط اینکه هدف را با وسیله عوض نگیریم!).

برای یک ایماندار تصمیم گرفتن به منزله این است که «خدا و من» با هم وارد عمل می‌شوند. چون فقط خدا مسئول اتفاقات نیست، انسان هم مسئول اعمال خویش است.

### برای تو انتخاب کردن یعنی چه؟

خلاصه‌ای از بحث عده‌ای از جوانان در این باره...

رای من انتخاب کردن یعنی هر باری که در مقابل یک دو راهی قرار می‌گیرم و باید یکی را با در نظر گرفتن همه جوانب انتخاب کنم و بتوانم قدمهای بعدی را تا حدی تخمین بزنم.

انتخاب کردن امریست که در کوچکترین موارد زندگی روزانه برای هر یک از ما پیش می‌آید، بنابراین نباید فکر کرد که حتماً فقط در مقابل موارد خاص و مهم با آن مواجه می‌شویم، چون در اینصورت ممکن است با بی‌تفاوتی از کنار آنها بگذریم و بگذاریم که دیگران برایمان انتخاب کنند.

بارها در همین انتخاب‌های کوچک و نه چندان مهم متوجه شدم که نمی‌توانم بهترین را برای خودم تشخیص دهم. بارها انتخابم از روی خودخواهی بوده و هم بخودم ضرر زده، هم باعث رنجش دیگران شده. تا بالاخره متوجه شدم که برای یک انتخاب موفق نیاز به یک فکر روشن و قلبی آرام و خوب دارم. حالتی که همیشه از آن برخوردار نیستیم. انسان باید بتواند با بیطرفی به مسائلی نگاه کند. برای اینکار نیاز به تسلط بر خود داریم. وقتی به این حکم مسیح بیشتر فکر کردم: یکدیگر را محبت کنید، همانطور که من شما را محبت کردم سعی کردم بفهمم که او چگونه ما را محبت کرد، سعی کردم بفهمم که وقتی می‌گفت: روح القدس شما را به حقیقت کامل هدایت خواهد کرد یعنی چه. راستش هر باری که در مقابل مشکل یا انتخابی قرار می‌گیرم، اندیشه دوباره در این سخنان مسیح باعث می‌شوند که خیلی راحت‌تر در حضور او قرار بگیرم و هر بار بیشتر راز کلام او را دریابم. باید اعتراف کنم که با هدایت کلام و نور روح القدس توانستم انتخاب درست داشته باشم و در حین راهی که طی می‌کردم ایمان و اطمینان به من اعتماد به نفس می‌دادند، چون تنها نبودم.

می‌توان همیشه از خداوند طلب یاری نمود: در کم اهمیت‌ترین انتخابها و یا حتی در انتخابهای اشتباه! با کمک او فهمیدم که هیچ خطایی حتی پر ضررترین آنها، انتهای راه نیست. همیشه می‌توان جبران کرد و از نو سعی نمود. به شرط اینکه از قبول خطا و گناهان فرار نکنیم و با غرور بی‌جا کور ماندن را به یافتن حقیقت ترجیح ندهیم.

بیشتر وقتها انتخاب کردن برای من به معنی اینست که خودم باشم، یعنی فوراً و بطور اتوماتیک انتخاب کنم. این عکس‌العمل من در خلال موقعیت‌های معمولی روزمره است. اما فکر می‌کنم در مقابل انتخاب‌های جدی‌تر زندگی باید شهامت داشت. شهامت پذیرفتن اینکه احتیاج به شنیدن کلامی از دیگران دارم و اینکه باید بتوانم با ریسک‌هایی که ممکن است این انتخاب با خود داشته باشد، مواجه شوم. با هر انتخابی باید آماده از دست دادن چیزی باشیم. باید بگوییم که خیلی طول کشید که بفهمم و قبول کنم که باید فکر کردن را یاد بگیرم و خود را راضی کنم که با شخص پخته‌تری مشورت کنم. این دو نقطه ضعف بزرگ ما جوانان است. من معمولاً آدم خیلی دو دلی هستم. انتخاب کردن برای من خیلی سخت است. وقتی هم راهی در پیش می‌گیرم، مثل شرکت در کلاسی و یا آموختن حرفه‌ای، همیشه نیمه کاره ول می‌کنم. تا بالاخره پس از اتفاق مهم و دردناکی که در زندگی‌ام رخ داد، فهمیدم که نباید متحمل شد بلکه باید انتخاب کرد! فقط وقتی که انتخاب می‌کنیم می‌توانیم در مقابل عواقب احتمالی کارمان ایستادگی کنیم. می‌توانیم قوی‌تر مبارزه کنیم. و حتی اگر با شکستی روبرو شویم، اقلأ پخته‌تر از آن بیرون خواهیم آمد. یک انتخاب آزاد به انسان انگیزه مبارزه می‌دهد و حتی شادی بخش است.

**قبل از داشتن آزادی انتخاب، باید اول یک شخص آزاد باشیم.**

**آیا زندگی اسرار آمیز به نظر نمی‌رسد و کارهای خدا  
اغلب فراتر از حدود درک و فهم ما نیستند؟  
شر، پیوسته در پیرامون ما حضور دارد و به اشکال مختلف نمایان شده و آسیب  
می‌رساند.**

**اما همان‌گونه عیسی مسیح فرموده است:**

**«نیکی از شر به وجود می‌آید.»**

**نیکی، پیوسته قوی‌تر از شر و پلیدی‌ست.**

**پس بیایید به خدا اعتماد کنیم**

**و بدانیم کارها و شیوه‌های خداوند**

**سراسر حکمت و عشق است.**

## اخبار و تقویم کلیسای

- شنبه ۱۶ مرداد ۹۵ = ۶ اوت ۲۰۱۶، عید تجلی مسیح مراسم این عید در روز یکشنبه ۷ اوت = ۱۷ مرداد برگزار می گردد.

- یکشنبه ۱۷ مرداد ۹۵ = ۷ اوت ۲۰۱۶، یکشنبه ششم تابستان ، عید تجلی مسیح

عهد عتیق: سفر خروج فصل ۱۹ آیه ۱-۹ و فصل ۲۰ آیه ۱۸-۲۱

رساله: عبرانیان فصل ۱۲ آیه ۱۸ الی آخر باب

انجیل: متی فصل ۱۷ آیه ۱-۹

- شنبه ۲۳ مرداد ۹۵ = ۱۳ اوت ۲۰۱۶، روزه حضرت مریم پرهیز از گوشت

- یکشنبه ۲۴ مرداد ۹۵ = ۱۴ اوت ۲۰۱۶، یکشنبه هفتم تابستان

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۳۰ آیه ۱-۱۵

رساله: اول تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۱۴ الی آخر باب

انجیل: لوقا فصل ۱۸ آیه ۱-۱۴

- دوشنبه ۲۵ مرداد ۹۵ = ۱۵ اوت ۲۰۱۶، عید انتقال حضرت مریم به آسمان ، نماز این عید ساعت ۵ بعدازظهر در کلیسای

حضرت مریم برگزار می گردد.

کارهای رسولان: فصل ۱ آیه ۱-۸

رساله: رومیان فصل ۱۶ آیه ۱-۱۷

انجیل: یوحنا فصل ۲ آیه ۱۲، متی فصل ۱۲ آیه ۴۶ الی آخر باب و فصل ۱۳ آیه ۵۳-۵۷، لوقا فصل ۱۱ آیه ۲۷-۲۸

- یکشنبه ۳۱ مرداد ۹۵ = ۲۱ اوت ۲۰۱۶، یکشنبه اول الیا.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۳۱ آیه ۱-۹

رساله: دوم تسالونیکیان فصل ۱ آیه ۱ الی آخر باب

انجیل: لوقا فصل ۱۸ آیه ۳۵ الی فصل ۱۹ آیه ۱۰

- یکشنبه ۷ شهریور ۹۵ = ۲۸ اوت ۲۰۱۶، یکشنبه دوم الیا.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۳۰ آیه ۱۵-۲۶

رساله: دوم تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۱۵ الی فصل ۳ آیه ۱۸

انجیل: متی فصل ۱۳ آیه ۱-۲۳